

احمد محمد تبریزی شه‌رستان فسا از توابع استان فارس با شهادت نواسلار سوم «عبدالله قربانی» از کارکنان تیپ انصارالحجه این شهرستان سومین شهید مدافع حرمش را تقدیم اهل بیت(ع) کرد. شهید قربانی متولد ۱۳۶۰ و کمرو می‌شناختند که خیلی اهل پرحرفی و دیگر شهدای مدافع حرم پیوست. به سراغ ایراهیم قربانی برادر شهیدرفقیم تااطلاعات بیشتری از زندگی عبدالله کسب کنیم.قربانی درگفت‌وگو با «جوان» از راهی که برادرش در راه دفاع از اهل بیت(ع) انتخاب کرده بود می‌گوید و تأکید می‌کند شهادت خواسته قلبی سال‌های دور عبدالله بوده است.

شهید در دوران کودکی در چه

خانواده‌های با گرفت و بزرگ ششد و از هم‌بجگی، ایشان را چگونه انسانی دیدید؟

برادرم از من پنج سال بزرگ‌تر بود و همه عبدالله را از همان کودکی در جمع‌های خانوادگی و بستگان، فردی معصوم، مظلوم و کمرو می‌شناختند که خیلی اهل پرحرفی و صحبت کردن نبود. مادرم تعریف می‌کند از همان کودکی چنین اخلاق و ویژگی‌هایی داشت. در مراحل بعدی زندگی‌اش هم همین روحیه را حفظ کرد و در محیط کار و خانواده هم کم‌حرف بود. عبدالله بسیار اهل تفکر بود تا صحبت نکردن. دوران دبستان و دوران راهنمایی‌اش در روستا گذشت و از لحاظ درسی بسیار درسخوان بود. الان که به کارنامه‌های آن زمانش نگاه می‌کنیم می‌بینیم بسیار درسخوان و منضبط بوده است. روستایمان صحرارود از توابع شهرستان فسا بود و چون دبیرستان نداشت بعد از ورود به دبیرستان به شهر رست. دبیرستان در رشته ریاضی و فیزیک مشغول به تحصیل می‌شود و بعد از گرفتن دیپلم به دلیل علاقه‌اش به سپاه پاسدارن، سال ۸۲ وارد سپاه می‌شود. در مرکزوزیرشیراز دوره کاردانی‌اش را می‌گذراند و پس از آن به تیپ سوم لشکر ۱۹ فجر معرفی می‌شود. در گردان فجر چهارم‌های شاخصی مثل شهید مرتضی جاویدی، شهید محمد رضا بدیعی و رستیزاده خدمت کرد

بودند. ایشان هم از همان لحظه ورود با درایت و علموی که فراگرفته بود در رشته پیاده در گردان فجر مشغول به خدمت می‌شود. چند سال بعد به دلیل استعدادی که در این زمینه داشت فرمانده گروهان مسلم از گردان شهید جاویدی می‌شود.

بعداز حوادثی که در سوریه به اتفاق افتاد نظرش درباره جنایت‌های گروه‌های ترور بیستی و تکفیری در یک کشور اسلامی چه بود؟

چون من و عبدالله در خانواده‌مان سپاهی بودیم با من در این زمینه‌ها صحبت می‌کرد و هم حرف یکدیگر بودیم. عبدالله چند ماه قبل از رفتن صحبت می‌کرد که باید به سوریه برود و الان تکلیفی روی شانه‌هایش احساس می‌کند. می‌گفت الان زمان تکلیف است و باید رفت. بیشتر در این وادی صحبت می‌کرد و می‌گفت شهادت لیاقت می‌خواهد و نصب هر کس نمی‌شود. از همان اول تصمیم خودش را برای رفتن و به سرانجام رساندن تکلیف را گرفته بود. من از صحبت‌هایش اینطور برداشت کردم عبدالله پرسوهای را از بدو وروزش به سپاه دنبال می‌کرده و قدم زدن در راه شهدا را برای خودش یک هدف می‌دانسته که در آخر هم به

برادر شهید مدافع حرم نواسلار سوم «عبدالله قربانی» در گفت‌وگو با «جوان»:

«عبدالله» جواز شهادتش را از امام‌رضا(ع) گرفت



برادر شهید مدافع حرم نواسلار سوم «عبدالله قربانی» در گفت‌وگو با «جوان»

خواسته و آرزویش رسید. فرمانده گردانش به عبدالله گفته بود نیازی به رفتن شما نیست ولی خودش اصرار به رفتن داشت.

پس کاملاً آگاهانه و مصمم در راهی که

انتخاب کرده بود قدم گذاشت؟

جریان رفتنش هم جالب است. خودش خیلی پیگیر و مصمم برای رفتن بود. می‌گفت من به عنوان فرمانده گردان باید بروم تا نیروهایم ببینند. اعتقادش این بود که در این راه نخست باید خودش پیشگام شود که دیگران به تبع از ایشان به عنوان فرمانده‌شان در این مسیر قرار بگیرند.

به نظر خودتان چه چیزی در وجود

شهید آتقدر این مسائل را برایش

مهم کرده بود که بدون هیچ ادعا و

سروصدایی کارش را انجام دهد و

پخواهد به هدفش برسد؟

عبدالله قبل از بحث اعزامش به سوریه در زمینه کاری‌اش خیلی احساس مسئولیت می‌کرد. یکی از شاخصه‌های کار سازمانی‌اش احساس تکلیف و مسئولیتی بود که شهید هم نسبت به کاری که به او محول می‌شد بی‌خیال نبود. در این زمینه احساس مسئولیت داشت و به اعزامش به عنوان یک تکلیف نگاه می‌کرد. ملزم به این بود که تکلیفش را انجام دهد حالا نتیجه هر چه می‌خواهد شود. با این دید به کار نگاه می‌کرد. دوستانش می‌گویند در زمینه کاری هم نگاهش اینگونه بود که کار را سرسری نمی‌گرفت و واقعا از نیروهایش می‌خواست کار را به‌طور شایسته‌ای انجام دهند.

وجود شهید بوده و با اتفاقات سوریه

و برای دشاغ از حرم پر رنگ‌تر شده

است؟

کاملاً درست است. یعنی طوری نبوده که فقط در مسئله سوریه این احساس مسئولیت را داشته باشد، بلکه در دوران خدمتش در سپاه به همین شکل عمل می‌کرد فردی بی‌تفاوت به مسائل نبوده و از صفر تا صد پای کار می‌ایستاده و آن را دنبال می‌کرده است.

شهید متاهل بود؟

بله متاهل بود و یک فرزند شش ساله دارد.

وقتی بحث اعزامش پیش آمد نظرش

درباره خانواده و رفتن چه بود؟

شب قبل از اینکه خواهد بروم من شهرستان نبودم و تلفنی با هم صحبت کردیم. به او گفتم واقعا می‌خواهی بروی؟ عین این جمله‌ها را گفت که من دیگر راه خودم را پیدا کرده‌ام و باید بروم و تکلیفم را انجام دهم. گفت پس تکلیف فرزندت چه می‌شود؟ گفتم فدای حضرت زینب(س) و خون من از خون بچه‌های امام حسین(ع) که رنگین‌تر نیست، بچهام مثل حضرت رقیه. برادرم واقعا از این دنیا دل‌کنده و بریده بود. قشنگ می‌شد این را در وجودش حس کرد که آسمانی شده و روی زمین نیست. به تعبیر دیگر خودش را مهمی پرواز کرده بود.

چه چیزی در وجود برادرت باعث شده

ایشان به لحاظ ایمانی و اعتقادی به

حدی برسد که به مسائل دنیوی پشت

کند و از دنیا دست بپوشد؟

من به عنوان برادر، عبدالله را به درستی نشناختم که چه گوهری بود. چیزی که من از شهید بزرگوار دیدم و زندگی‌اش را مشاهده کردم هدیه الهی‌ای است که خداوند به هر کس اعطا نمی‌کند. برادرم چند خصیصه در زندگی‌اش داشت که مهم‌ترینش اهمی‌ای بود

۱- از کلمات شرط -بنیانگذار المپیک نوین ۲- سطل - شکستگی نور - فرآورده شیر ۳- پایدار - پویاننده پنهان‌کننده - جمع اول ۴- فرزند نوه - چه وقت؟ - قلعه بزرگ ۵- ویتامین نور خورشید - خوگرفتن - از سنگ‌های زینتی - شهر جشنواره‌های فرانسه ۶- آرامستگی صفا - نخستین حرف الفبای یونانی - بازی انگلیسی ۷- درجه حرارت هوا - پیچ و خم - پست و فرومایه ۸- به معنی شوره است و از مواد منفجره - صیقل دادن - تکبیری که برای برپا کردن نماز گویند ۹- راننده عوض می‌کند - خاستگاه طلای سرخ دنیا - پدر بزرگ ۱۰- بالشتک نان پزی - داروی زخم - وسیله قایقرانی ۱۱- مروریاد - از دعاهای مفاتیح الجنان - شاعر شمع و پروانه - پوستین وارونه ۱۲- وسط و بین - مزه خرمالو - دادن یا بخشیدن مال به کسی ۱۳- رمی آن یکی از اعمال سه گانه مناست - از قبایل عرب جاهلیت - سخنگو ۱۴- نخستین زن شهید اسلام - نام قومی سامی نژاد که در عراق سکونت داشتند - درد ورنج ۱۵- آنچه که مورد رضایت دو طرف باشد - یک جرعه آب

از بالا به پایین

۱- شخص نوکیسه و تازه به دوران رسیده - هر چیزی که قسمتی از فضا را اشغال کند، گفته می‌شود

۲- از میوه‌های خوشمزه- جنگ نمایشی - گذرگاه ۳- کاپیتان منجستر یونایتد- وسیله پهن کردن پتونه در نقاشی ساختمان - بپمال ۴- اقیانوس کبیر - کلمه شگفتی - ظلمت و تاریکی ۵- ستون بدن - مردن بر اثر حادثه - زمان مرگ ۶- نام لمن، دروازه بان سابق تیم ملی آلمان - تیروپیکان - معجزه جاوید پیامبر - پل چوبی ۷- سست شدن رای - عزت و حرمت - تراشیدن چوب ۸- نوعی گرفتن پول از مردم - آب هوا - چاره، علاج ۹- هست آذری - تیم گیلانی لیگ برتر - زیاده روی و ولخرجی ۱۰- ناشنوا - گیاهی که از ساق‌های خورشت درست می‌کنند - اسلحه ای در شمشیربازی - چنین نشده ۱۱- سسپ آذری زبان - اثر شاتنوبریان، نویسنده فرانسوی - پول زاین ۱۲- میدان و خیابان دارای باغچه و چمن و درخت - دندان ناپایدار - عرصه ورزش مشتزنی ۱۳- آدم آهنی - از سازهای موسیقی - سکنگه ۱۴- نوعی برادر و خواهر - پیهودی - کارگردان بن هور ۱۵- رودرنگی - به دوهای ۴۰۰ و ۸۰۰متر گفته می‌شود



پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

پایدار۸۸۴۹۸۴۸۱

گفت‌و‌گو

گفت‌و‌گوی «جوان» با فرزند شهید تازه تفحص شده